

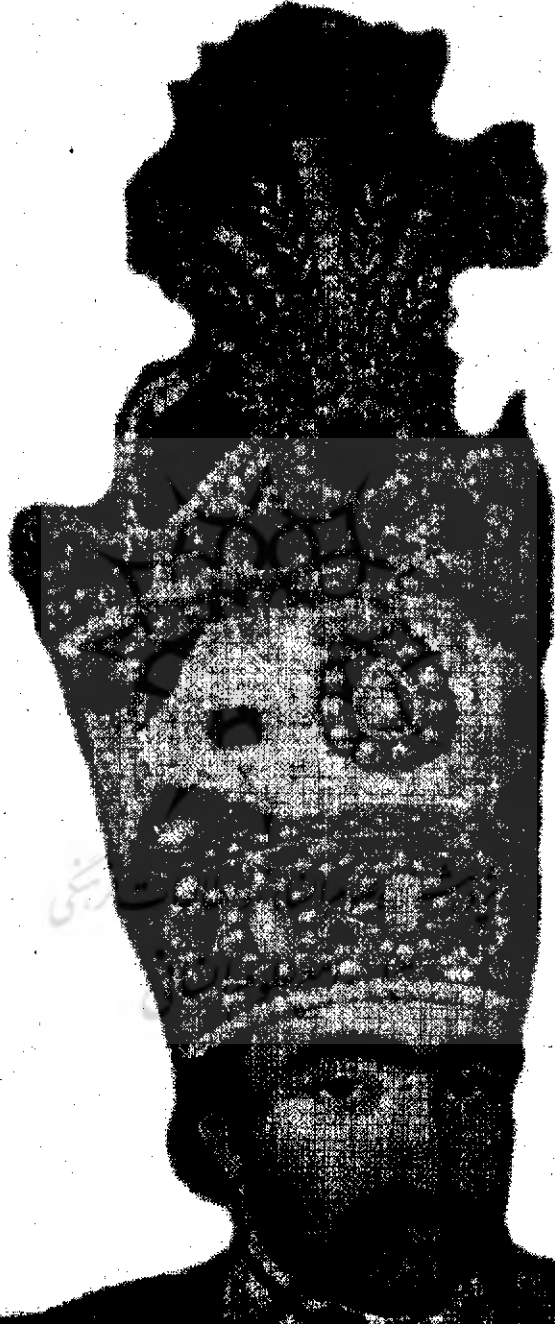
گوهری مهجور و کم نظیر از

# هنر نقاشی

قرن سیزدهم هجری قمری

ایران

• آیدین آغداشلو



چه حال از آن همه  
رج و  
بهر نمای؟

## ● این نقاشی

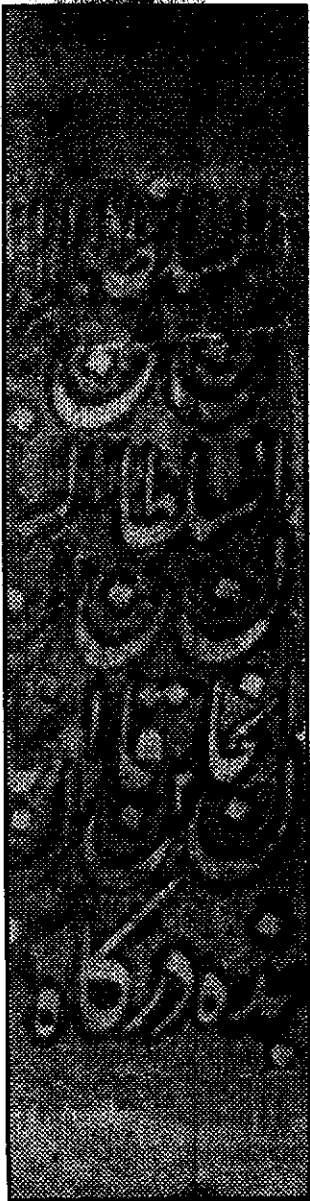
اثری است در حد کمال شیوه دورانش  
و اگر نکوئیم که مطلقاً بی نظیر است،  
قطعا در میان تمامی تک چهره‌هایی که  
از ناصرالدین شاه در قرن سیزدهم هجری قمری  
نقاشی شده، کم نظیر است.

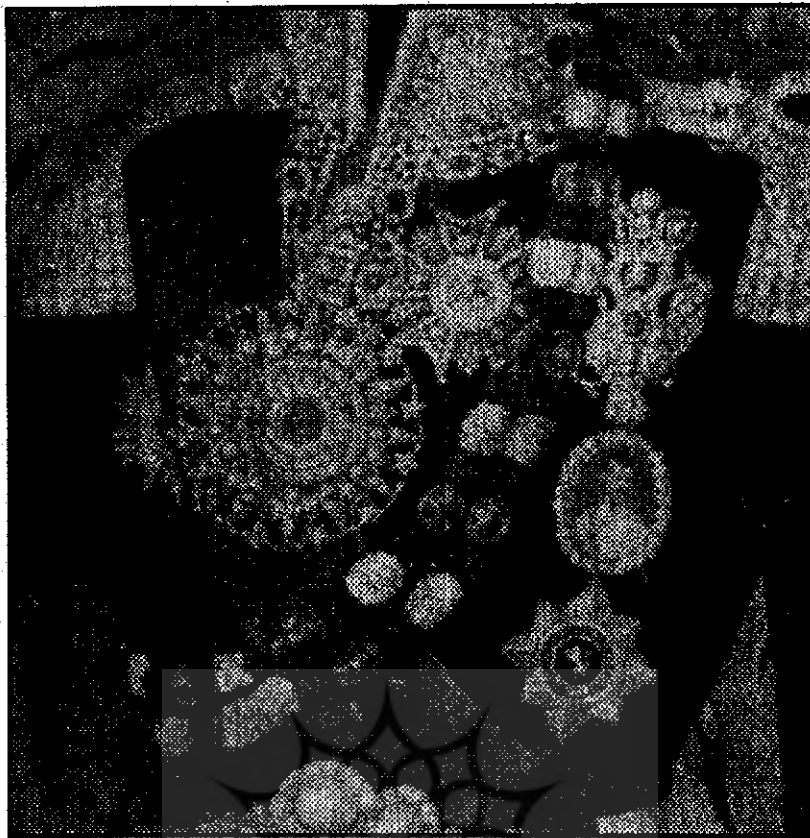
در سال ۱۲۵۹، دعوت شدم تا از مجموعه‌ای از نقاشی‌های ایرانی  
و اروپایی - که بعدها در اختیار بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار  
گرفت - بازدید کنم. مجموعه توده عظیمی بود از همه نوع نقاشی  
- و حتی عکس‌های چاپی و پوسته‌های بی‌ارزش - که روی هم چیده  
و انبار شده بود.

در این مجموعه ناهنجار و ناهمگون و در هم و بر هم بود که  
برای اولین بار، خیره و متحیر نقاشی بسیار زیبایی شدم که روی  
راه پله‌ها تکیه داده بودندش و بخش‌هایی‌اش هم زیر نقاشی‌های  
احمقانه دیگر مانده و مستور شده بود. این اثر سال‌ها - تا هیجده  
سال بعد - در یاد و ذهنم ماند و ندانستم که بعدها چه گونه جابجا  
شد و سر از کجا درآورد، اما همیشه امید داشتم دوباره ببینمش و  
این بار شاید به دقت و از نزدیک و دراز مدت.

تا سال گذشته که فرصت دست داد و در میان صدها نقاشی  
قدیمی ایرانی که در خزانه بنیاد مستضعفان و جانبازان حفظ می‌شود،  
دوباره دیدمش که سروگردنی بالاتر از دیگر نقاشی‌ها، اما این بار  
با حرمت و مراقبتی در خور اعتبار و اهمیتش، در پائل کشویی وسیع  
و جاداری، محفوظ و محترم نصب شده بود.

این نقاشی فوق‌العاده، تصویر ایستاده تمام قد ناصرالدین شاه  
قاجار است با تاج کیانی، فتحعلیشاهی بر سر و لباس تمام رسمی بر  
تن که دست چپش را بر شمشیر مرصعش تکیه داده و دست راستش  
را بر کمر زده است. شغل عجیب و غریبی - که ظاهراً باید شغل رسمی  
سلطنتی باشد - بر دوش دارد و در پشت سرش آسمانی به رنگ سبز  
تیره و منظره‌ای کوهستانی و مبهم - بسیار شبیه به بعضی از پس  
منظره‌های شیوه‌کار لئوناردو داوینچی - نقاشی شده است. در  
کوشه سمت چپ این تابلوی وسیع (اندازه‌اش ۲۲۴ x ۱۲۳ سانتیمتر  
است) درون مستطیلی با زمینه سیاه و به خط نستعلیق شش دانگ  
و به آب طلا، نوشته شده «الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان





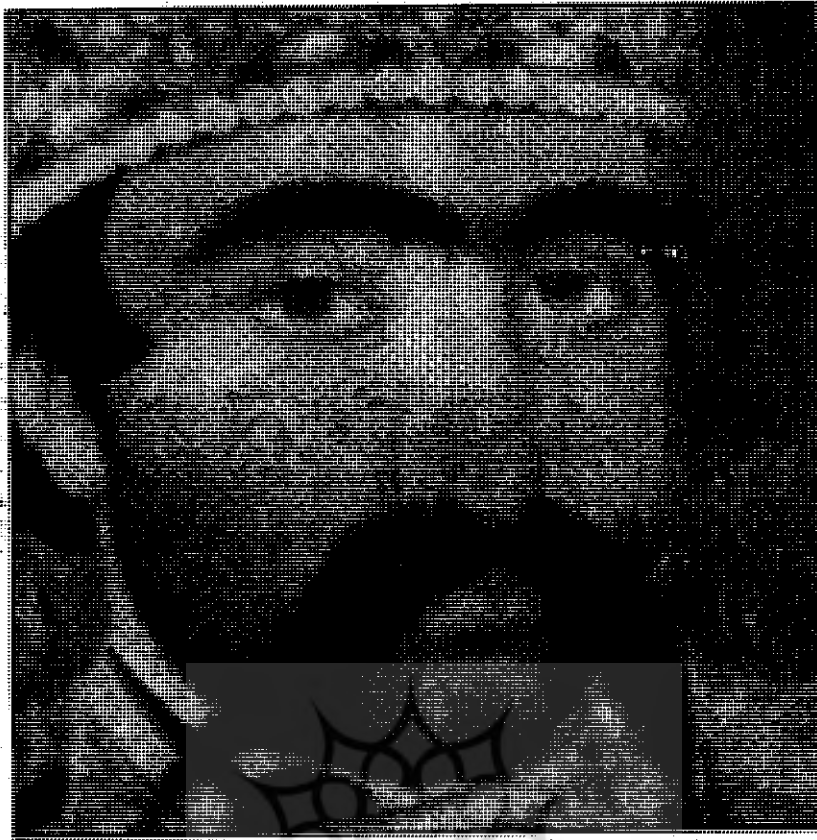
بن السلطان بن السلطان. السلطان ناصرالدین شاه قاجار. بنده درگاه محمدحسین لله، و اطراف نوشته را با دندان موشی ملایی و طلااندازی بین السطور زمینه سازی کرده اند.

این نقاشی اثری است در حد کمال شیوه دورانش و اگر نگوییم که مطلقاً بی نظیر است، قطعاً در میان تمامی تک چهره هایی که از ناصرالدین شاه در قرن سیزدهم هجری قمری نقاشی شده، کم نظیر است. به همین خاطر است که سعی می کنم، در حد امکان کوتاه و خلاصه، توصیفش کنم تا اهل تحقیق در نقاشی قدیم ایرانی از جهت و چونش مطلع شوند و شاید از این طریق، کسانی که علم و اطلاع بیشتری از این اثر و نقاش آن دارند بتوانند توصیف را کامل کنند و از راه بررسی آن، نکات ناگفته مانده را بیابند و بر این متن علاوه کنند.

مایه رنگ عمده و اصلی این اثر نفیس در چهار رنگ سبز و طلایی و سیاه و سرخ خلاصه شده و رنگ های قهوه ای و آبی نیز بر این مجموعه افزوده شده است. آسمان وسیع و مرتفع، پس زمینه به رنگ سبز تیره خوش رنگی است که

احتمالاً در اصل بیشتر به آبی می زده و به خاطر روغن جلای قهوه ای و نخودی رنگی که رویش زده اند، در طول یکصد و اندی سال، تغییر رنگ داده و به سبز تیره تبدیل شده است. لباس ناصرالدین شاه نیم تنه ای سیاه و بلند با حاشیه ملیله دوزی شده مرصع و یقه کشیده و شلوار و پاگون و حمایل آبی و نشان های متعدد و کمر بند پهن با قلاب بزرگ جواهر نشان است. سرآستین های نیم تنه ملیله دوزی ملایی بر متن پهن سرخ رنگ است. گردن بند جواهر نشانی نیز از شانۀ چپ رو به کمر بند پائین کشیده شده است. نشان ها - شش عدد - بر پیش سینه لباس نصب شده اند.

روی این لباس، شئل قائم نخودی رنگی قرار گرفته که در فاصله هایی معین، دنباله هایی باریک و متعدد و تابیده شده از خز سیاه، از متن آن به بیرون آمده است. در دو سوی چپ و راست این شئل، دو مستطیل ترمه بلند شمشه دوزی شده مرصع دوخته شده است. این شئل، با این دو وصله، کاملاً ابداعی است و همانندی ندارد. شئل قائم با دنباله هایی از خز سیاه نمونه های مشابه متعددی در سنت شئل های سلطنتی اروپایی



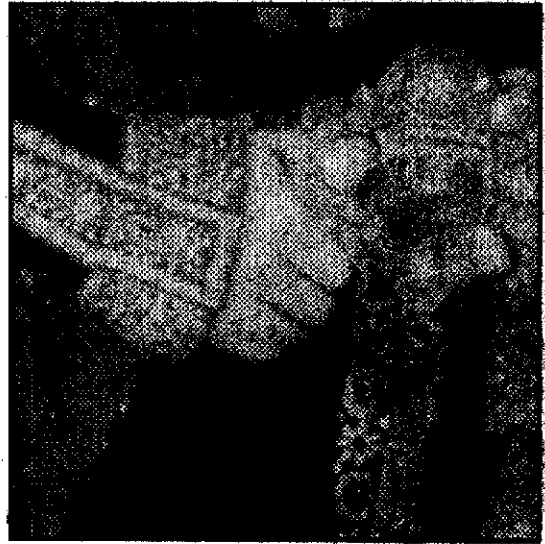
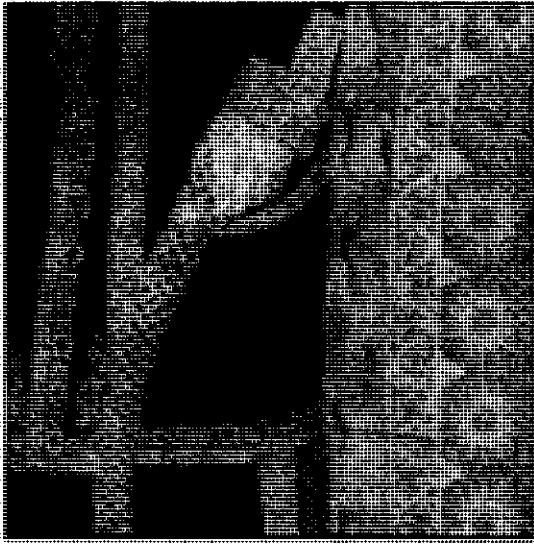
ناصرالدین شاه را ساخته اند می شود سراغ کرد که یکی از بهترین چهره های مشابه، اثری است از صنایع الملک که در سال ۱۲۷۶ قمری نقاشی کرده است و اصل این اثر - که ناصرالدین شاه را نشسته بر صندلی تصویر کرده - چندی پیش در نمایشگاه «هنر سلطنتی ایران - عصر قاجار»، در موزه بروکلین، به نمایش گذاشته شد.

نقاشی ناصرالدین شاه ایستاده، چه از حیث رنگ آمیزی و چه از حیث ظرافت و دقت در پرداخت جزئیات اثری است استادانه و در میان تمامی نقاشی های رنگ و روغنی قرن سیزدهم هجری قمری که از چهره ناصرالدین شاه قاجار کشیده شده، تنها می توان آن را با نقاشی «ناصرالدین شاه ایستاده در کنار توب چنگی، کار هاوکوپ هوو ناتانیان - که در موزه «گالری بل ودر اطریش» وین نگهداری می شود - مقایسه کرد. با در نظر گرفتن این نکته - و یا امتیاز - که نقاشی هوو ناتانیان ریشه و شیوه اروپایی آکادمیک و پخته ای دارد که آن را در حوزه و حیطه دیگری قرار می دهد. بنابراین از سر شیفتگی یا اغراق نخواهد بود

دارد و به احتمال نزدیک به یقین، نقاش این اثر آن را از نقاشی های فرنگی کپی کرده است و به صورت نوعی سلیقه شخصی، دو مستطیل ترمه جواهر نشان را - به خاطر تبدیل آن به بافته ای پارو حیه ایرانی - بر آن افزوده است. نگارنده تا به حال چنین شغل خاصی را در هیچ منبع عصر ناصری - از نقاشی های آبرنگ و رنگ روغن تا عکس های مختلف - مشاهده نکرده است و تانمونه ای نظیر آن ارائه نشود، بر این عقیده خواهد ماند که شغل غریب مورد اشاره به خاطر تقلید از تابلوهای پادشاهان اروپایی، بردوش ناصرالدین شاه قاجار نقاشی شده است.

تاج کیانی، بسیار دقیق و عالی و ظریف کار شده و هر چند قدری کشیده تر و بلندتر از تاج کیانی واقعی است، اما همچنان محتشم و خوش رنگ از کار درآمده است.

صورت ناصرالدین شاه، با شباهت کامل، یادآور دوران است - دوران بین سالهای هزار و سیصد و هفتاد تا هشتاد - که سبیل های بلند آویخته و ته ریش مختصری داشت. شبیه همین چهره را در آثار نقاشان مهم آن سال ها که صورت



رنگ آمیزی را چنان گسترش می دهند که تقریباً تمامی سطح نقاشی رامی پوشاند و جایی و اثری از کار نقاش اصلی باقی نمی ماند!

تاریخ اجرای نقاشی مورد نظر ما، قاعدتاً نمی تواند مقدم بر سال هزار و سیصد و هفتاد هجری قمری باشد چون چهره ناصرالدین شاه سنین بالاتر از بیست و پنج سالگی را نشان می دهد و فراتر از هزار و سیصد و هشتاد هم نمی تواند باشد چون آرایش چهره او در سالهای پس از هزار و سیصد و هشتاد متفاوت می شود.

نقاش این اثر - به گواهی امضایش در مستطیل سمت چپ نقاشی - «محمدحسین لله» است که اسم کاملش «محمدحسین لله بن عبدالله زند بگله» و لقبش «یمین الدوله» بوده و از طایفه زند بگله می آمده که از طایفه های مهم ایل زند و از نزدیکان کریم خان زند بوده اند.

درباره او، اشاره مختصری در جلد دوم کتاب «احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی» - چاپ ۱۳۶۹ لندن، تألیف آقای محمدعلی کریم زاده تبریزی - آمده است که ظاهراً محمدحسین لله بیشتر به عنوان استاد نقاشی و خط، و مهم تر از همه کاغذبری (قطاعی)، شناخته می شده و به علت سرپرستی و لله کی یکی از شاهزاده های قاجاری لقب لله و بعدها لقب یمین الدوله را گرفته است. نمونه های عالی و ظریفی نیز از آثار قطاعی او باقی مانده است. در

اگر این نقاشی را یکی از مهم ترین و استادانه ترین و ظریف ترین نقاشی های رنگ روغنی ای بدانیم که دو قرن سیزدهم از چهره ناصرالدین شاه قاجار کار شده است و البته باید در خاطر داشته باشیم که نمونه عکاسانه و رآلیستی بسیار پراهمیتی نیز - در آغاز قرن چهاردهم هجری - محمد غفاری کمال الملک از صورت ناصرالدین شاه - که بر صندلی نشسته - کشیده است که فعلاً در موزه هنرهای معاصر تهران محفوظ است و در نوع خود کم نظیر است.

نقاشی ناصرالدین شاه ایستاده با رنگ روغن روی بوم نازک کار شده و در طول زمان بسیار آسیب دیده است: پارگی های ریز و درشت متعددی دارد و در جاهایی بوم چین خورده است و جاهایی هم ریختگی دارد. اما بدترین و ناجورترین صدمه ها به خاطر مرمت مفصلی است که - شاید سی چهل سال پیش - در تمامی سطح اثر صورت گرفته است. زنده ترین مرمت، بر روی صورت و بینی ناصرالدین شاه و بخش هایی از شغل و منظره و آسمان و زمین صورت گرفته است که جبران ناپذیر به نظر می آید و لازم است هرچه زودتر تمامی این مرمت قدیمی ناشیانه زوده و پاک شود و مرمت فنی و دقیقی جایگزین آن شود. هرچند از مرمت های این روزها هم چندان چشم آب نمی خورد و بسیار دیده ام که مرمت کاران معاصر ما، پس از هموار و هم رنگ کردن قسمت های ریخته و آسیب دیده، سرخوشانه

قطاعی، تصاویر دلخواه را روی کاغذهای مخصوص طراحی می‌کردند و بعداً با قیچی مخصوصی که جهت این کار ساخته می‌شده اطراف طرح را بریده و آن را روی کاغذ تیره‌تری می‌چسبانند. آقای کریم‌زاده بر این مطلب علاوه می‌کنند که اثر شگفت‌انگیزی از محمدحسین لله دیده‌اند که در آن جنگ دو خروس را قطاعی کرده و در این اثر پرکار، پرهای خروس‌ها را - که به علت نزاع در هوا پراکنده شده - باریزترین و ظریف‌ترین اندازه ممکن بریده و چسبانده است. ایشان اشاره می‌کنند که مرقعی از آثار خط و نقاشی و قطاعی محمدحسین لله دیده‌اند که به ناصرالدین شاه قاجار بديه شده بوده و بعدها در مجموعه آقای صمد خورشید قرار گرفته است. بر این شرح، این نکته را هم باید علاوه کرد که به شهادت همین نقاشی، محمدحسین لله نقاش رنگ‌روغن ساز بسیار چیره‌دستی هم بوده است و جز آن، به خاطر ظرافت در پرداخت و ریزکشی و لطافت در داخل رنگ‌ها و سایه روشن‌ها، احتمالاً سابقه کار بر روی قاب آئینه و جلد و قلمدان را نیز داشته است. شاهد این مدعا، صورت بسیار عالی و ظریفی است که بر روی نشانی که بر سینه ناصرالدین شاه نصب شده، کار کرده است.



متأسفانه در میان اسناد خزانه بنیاد، نشانه‌ای از نام مالک پیشین این نقاشی به دست نیامد و امکان دست یافتن به مأخذی که سابقه نقل و انتقال آن را روشن کند مقدور نشد.

عکس رنگی دقیق و امکان معاینه و کارشناسی و مطالعه از نزدیک این تابلو را آقای جواهری - مدیرکل موزه‌های بنیاد - در اختیار من گذاشت که ممنونم از ایشان و امیدوارم در زمان مناسب، این گوهر مجبور و کم نظیر هنر نقاشی قرن سیزدهم قمری ایران، بعد از ترمیم و تعمیراتی شایسته در معرض تماشای عموم قرار گیرد و

اعتقاد همیشگی من این بوده است که هر اثر هنری، هر قدر هم کامل و عالی، اگر در معرض تماشای مردمان قرار نگیرد، انگار که از ازل اصلاً به وجود نیامده و ساخته نشده است، و تا معنای یک اثر منتقل نشود به مخاطبان و تماشاگران و صاحبان اصلی و همیشگی اثر، و حاصلی ندهد، چه حاصل از آن همه رنج و هنرنمایی به کار رفته در آن؟ و چه حاصل از آن همه خلاقیت و ایجاد و **تعمیر**؟ وانگار نه انگار که حرفی در میان بوده است بابت اثری و ثمری.